

روستگار تا نقطه رهایی

طبیعیان قدسی / ۱۰

www.ketab.ir

سرشناسه	: ثبات، نفیسه، ۱۲۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: رستگار تا نقطه رهایی: رستگار تا نقطه رهایی/نویسنده نفیسه ثبات
مشخصات نشر	: تهران: سازمان بسیج جامعه پزشکی، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۸ ص.؛ محور: ۱۲/۵×۲۱/۵سم.
فروست	: طبیبان قدسی: ۱۰.
قیمت	: ۲۰۰۰۰ ریال
شابک	: ۹۷۸۰۰۶۰۰۹۰۹۹۲۰۵۰۲
وضعیت فهرست نویسی	: فبا
موضوع	: لیاقتی، نژاد، مریم. ۱۳۲۳ - ۱۳۵۲.
موضوع	: شهیدان -- ایران -- سرگذشتنامه
موضوع	: پزشکان - ایران -- سرگذشتنامه
موضوع	: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۲ - ۱۳۲۰ -- جنبشها و قیامها
شناسه افزوده	: سازمان بسیج جامعه پزشکی
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۹ ۲۵۲/۱۵/ADSR
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۲۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۷۲۲۵۱۲

رستگار تا نقطه رهایی

نویسنده: نفیسه ثبات

ویراستار: فهیمه روح الهی

ناشر: سازمان بسیج جامعه پزشکی

اجرا: یاس سپید مهر

طرح جلد: طراحان گرافیک گویا

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۹

شمارگان: ۴۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۹۹۲-۵-۲

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، تقاطع بزرگراه نیایش و خیابان سنول، مجتمع نیایش، ساختمان ۱۴۰، طبقه سوم.

تلفن: ۲۲۶۶۱۴۴۴-۶ - ۲۲۶۶۱۴۵۱ - ۲۲۶۶۱۴۵۱

سازمان بسیج جامعه پزشکی

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس، برای سازمان بسیج

جامعه پزشکی محفوظ است.

مقدمه

آنان که نگاهشان به «آینه سرخ شهادت بود» و در آن فلاح خود را یافتند، در زمان حیاتشان حرکت آفرین و سرشار از شور و شعور و همراه با عشق و تعهد و انجام رسالت خود، همواره در مسیر بهره مند نمودن مردم و جامعه اسلامی از دانش و تخصص خود گام نهادند.

اینان الگوهای دست یافتنی و چهره های فروزان اخلاق پزشکی و تخصص هستند که فرصت ها و موقعیت های جذاب و شیرین دنیای مادی نتوانست آنها را از مسیر الهی خود منحرف کند و به پاس استقامت و ورزیدن و جهاد در راه ارزشهای انسانی و اسلامی، خداوند به ایشان حیات طیبه را ارزانی نمود.

امید است با مطالعه و تعمق در سیره و زندگانی این ستارگان درخشان و راهنمای تلاشگران و خدمتگذاران عرصه سلامت، با تأسی به منش و راهشان، راه را گم نکنیم و مروج تعهد، تخصص و اخلاق حسنه پزشکی باشیم و یادمان باشد که آزادی، امنیت، سربلندی، عزت و شرف و تمام موفقیت هایمان را مدیون آنان هستیم.

تحقیق پیرامون زندگی شهید بزرگوار دکتر مرتضی لبافی نژاد از اواخر

اردیبهشت ماه ۱۳۸۷ سال آغاز شد. ماحصل این تحقیق انجام مصاحبه با خانواده، دوستان و همکاران شهید بود که مبنای نگارش این اثر قرار گرفت. به علت گذشت بیش از ۴ دهه از شهادت این شهید گرانقدر که حتی در زمان حیاتش مظلوم زیست و خدمات خالصانه او بر همگان پوشیده ماند، روند پیشرفت کار کند و قدری مشکل بود ولی علی رغم همه مشکلات، خرسند و مسروریم که توفیق الهی نصیبمان شد و تلاشها به ثمر نشست.

سازمان بسیج جامعه پزشکی امیدوار است توانسته باشد گوشه ای از بصیرت، شجاعت، استقامت، مجاهدت، و مظلومیت این عزیز سرافراز را به تصویر بکشد و پیش روی علاقه مندان قرار دهد و همین اندک، زمینه ساز جستجوگری و کنکاش در زندگی عزت مندانه، ارزشی و پرفراز و نشیب این مبارز با بصیرت و معتقد به دین و آیین اسلام و شریعت محمدی (صلی الله علیه و آله) برای مخاطبان جوان و پیروان حق و حقیقت باشد تا از این رهگذر سرمشق و راه و رسم مبارزه را آموخته و در کوران مبارزات حق و باطل و شرایط فتنه گون سره را از ناسره تشخیص داده و از راه صواب و صلاح منحرف نشوند. انشاءالله

این سازمان وظیفه خود می داند ضمن تقدیر و تشکر از همراهی و همدلی خانواده معزز شهید و دوستان بزرگوارشان در انجام مصاحبه و ذکر خاطرات، مراتب سپاس و قدردانی خود را از همکاری و مساعدت صندوق تامین اجتماعی - اداره کل درمان استان تهران در چاپ این کتاب اعلام دارد.

سازمان بسیج جامعه پزشکی

پیشگفتار

دکتر مرتضی لبافی نژاد چهارده آذر سال ۱۳۲۳ در شب عید غدیر در شاهرود به دنیا آمد. برای همین مادر و پدرش از اسم فرامرز صرف نظر و مرتضی را انتخاب کردند. البته بسیاری او را فرامرز هم صدا می کردند. پدر مرتضی کارمند راه آهن بود و مدام به علت ماموریت های مختلف از این شهر به آن شهر می رفتند. مرتضی در مدرسه هر شهری که درس می خواند، یا شاگرد اول می شد یا ممتاز. سال آخر ابتدایی بود که پدرش از حق ماموریت ها گذشت و برای این که مرتضی بتواند در مدرسه خوبی درس بخواند، ساکن تهران شدند.

ده سالش نشده بود که دبستان را تمام کرد و با معدل بالا به دبیرستان البرز رفت. در هفده سالگی در رشته پزشکی دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد و از همان روزها فعالیت های سیاسی علیه رژیم پهلوی را آغاز کرد. چندی بعد به طور رسمی عضو سازمان مجاهدین شد تا مبارزه مسلحانه را تجربه کند.

بعد از اتمام دوره پزشکی عمومی، رتبه یک آزمون بورسیه اعزام به خارج شد ولی تصمیم گرفت ایران بماند و به مبارزه ادامه دهد. سال ۱۳۵۱ با

خانم پروین سلیحی ازدواج کرد ویاسر، تنها پسرش سال ۱۳۵۲ به دنیا آمد.

سازمان از او خواست که جراح عمومی شود و در عملیات ها به عنوان پزشک تیم فعالیت کند. مرتضی دوره تخصص چشم را رها کرد و جراحی را پیش گرفت. همان روزها سازمان دچار مسائل زیادی شد و مرتضی را به تبریز فرستاد که از ماجرا دور بماند و بیشتر افراد مذهبی تیم را تسویه کرد همین شد که یازده مرداد سال ۱۳۵۴ مرتضی و همسرش توسط ساواک دستگیر شدند و چند ماه بعد، چهارم بهمن ۱۳۵۴ خبر شهادت مرتضی را در زندان به همسرش دادند.

این صفحات روایت مستندی از این زندگی کوتاه و پر رنج است. زندگی‌ای که یک لحظه در آن رکود و کندی نمی بینی. بیشتر این داستان را پروین، همسر مرتضی با صبر و حوصله برای ما گفت که در کنار خاطرات مادر و دوستانش این صفحات را پر کردند.

یاسر بعد از تحمل سه سال دوری مادر، زندگی بدون پدر را تجربه کرد و حالا دندان‌پزشک خبره ای شده است. پروین سال ۱۳۵۶ به دلیل سن کم از زندان آزاد شد. بعد از زندان درس خواند و فوق لیسانس بهداشت مادر و کودک گرفت. چند سالی نماینده مردم اصفهان شد و حالا هم مشاور امور زنان در صدا و سیما است.